



امروز

۲۲

ابری همراه با رگبار و رعدوبرق و وزش باد

هر که نهالی بکارد، خداوند به مقدار میوه ای که از آن درخت به دست می آید، در نامه اعمال او پاداش می نویسد.

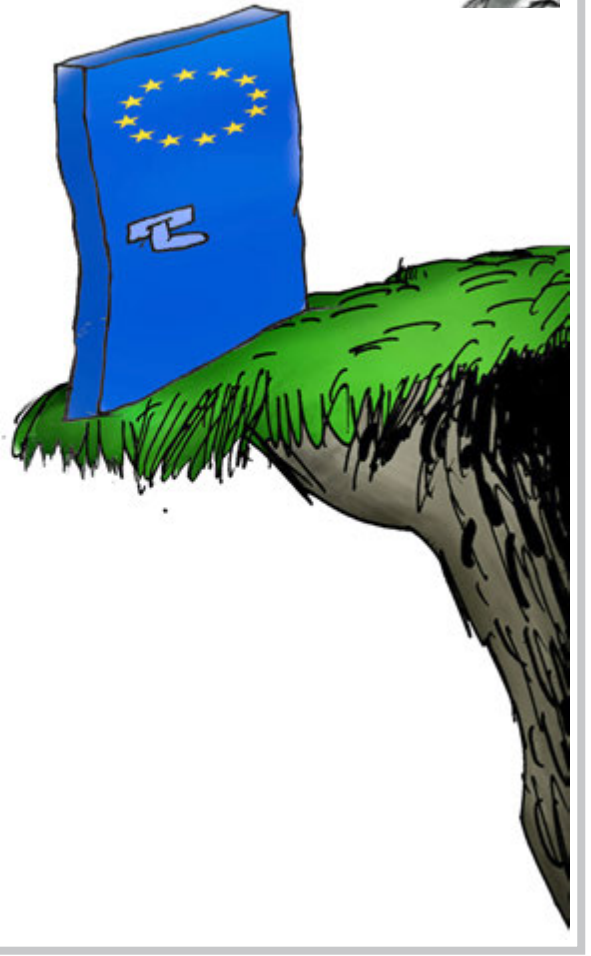
رسول خدا (ص)

انگاره لنگا

احمد رضا سهرابی



ahmadreza.sohrabi55@gmail.com



۹۴۳۵۲۱

سیمما جفاکش: این هفته خوشا شیراز میزبان رضا کیانیان مرد همه فن حریف سینمای ایران بود که علاوه بر بازیگری عکاس، مجسمه ساز و نویسنده ای زبردست و خیره ای هم هست، بازی درخشانش در فیلم کفش هایم کو در جشنواره ی فیلم فجر امسال آنقدر بی نظیر بود که موقع اکران این فیلم در تالار حافظ شیراز همه در سکوت عمیق و حیرت تحسین برانگیزی روفته بودند. برنامه خوشاشیراز جمعه هر هفته به تهیه کنندگی هادی قندی از ساعت ۹ تا ۱۱:۳۰ دقیقه از شبکه استانی فارس و شبکه سراسری شما پخش می شود.

در ادامه قسمت هایی از حرف های رضا کیانیان را با هم می خوانیم:

لقبی که رضا کیانیان برای خودش انتخاب می کند (شبهه باز) هست چون: رضا کیانیان: من خیلی دوست دارم تماشاگرم را به حیرت وا دارم، تماشاگر برای همین هست که پول میدهد بلیط میخره و میاد سینما که بیاد حیرت بخوره و از فیلمی که می بیند لذت ببرد. گاهی با رفتن در قالب یک نقش یا تماشاگر را بردن در لحظاتی از عواطفش می تواند این حیرت را به وجود آورد. حیرت فقط منظورم کارهای تکنیکی نیست چون ابزار دیجیتال و افراد مستعد زیادی هستند که می توانند این کار را انجام دهند، منظورم حیرت بازیگری و حیرت کارگردانی یا حیرت موسیقی و طراحی صحنه ی یک فیلم هست که زیاد به تکنیک مربوط نمی شود.

رضا کیانیان و خاطرات دوران کودکیش:

من وقتی خیلی کوچک بودم با پدرم که خداوند رحمتش کند می رفتم سینمای یعنی پدرم مرا به سینما می برد، ما در مشهد زندگی می کردیم، پدرم در تهران متولد شد و در مشهد بزرگ شدم و حالا هم حدود یک سال، یک سنال و نیمه هست که به مشهد بازگشتم و پدرم در آنجا زندگی می کنیم. پدر من هر روز چهارشنبه که فیلم ها را عوض می کردند می رفت و در هفت سینمایی که آن زمان مشهد داشت در تمام سینماها یک سکانس از هر کدام از فیلم ها می دید با تمام مدیران سینماها هم آشنا بود برای همین از هر کدام از فیلم های جدیدی که اکران شده بود یک سکانس می دیدند، افرادی که از روز تصمیم می گرفت که کدام فیلم را اول ببیند بعد به ترتیب تمام فیلم ها را می دید تا هفته ی بعد که دوباره فیلم ها عوض می شد، بعدتر که چندتا سینما دوباره اضافه شد یا مجبور می شد که در یک روز دو تا فیلم ببیند یا در بعضی از هفته ها مجبور می شد که چندتا از فیلم ها را ببیند من هم کوچولو بودم جلوی دوچرخه پدرم می نشستم و مرا با خودش می برد سینما من همیشه دسته ی دوچرخه را می گرفتم و جلوی دوچرخه می نشستم و پاهایم روی میله ی

معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس جزئیات طرح «عیدانه کتاب» در شیراز را تشریح کرد و گفت: ۹۰۰ میلیون تومان بودجه «عیدانه کتاب» در کل کشور به این حرکت فرهنگی اختصاص یافت است.

شفیعی با اعلام آمادگی دوازده کتابفروشی فارس برای «عیدانه کتاب»، گفت: آیین یاد شده از اتفاقات فرهنگی در حوزه نشر با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که بخشی از پارانه مصرف کننده را به سمت کتابفروشی ها سوق می دهد و برای آن در سطح کشور، ۹۰۰ میلیون تومان بودجه در نظر گرفته شده است. معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس گفت: طرح «عیدانه کتاب» از اتفاقات خوب در حوزه نشر با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که بخشی از پارانه مصرف کننده به سمت کتابفروشی ها سوق داده شده و این اتفاق بی سابقه بوده که ۹۰۰ میلیون تومان بودجه، برای این امر اختصاص داده شود.

شفیعی افزود: سابق بر این کتابفروشی ها حمایتی را در چرخه پارانه ها در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نداشتند و اتفاق دیگر، پارانه مصرف کننده از مدخل کتابفروشی ها بود که در هفته کتاب بخش اول آن با عنوان «کتابفروشی به وسعت ایران» اجرا شد. در این طرح که حدود یک هفته اجرایی شد ۱۰۳ کتابفروشی عضو شدند و بالغ بر ۱۵ هزار نفر در سراسر کشور در ۲۶ استان موفق شدند از این پارانه استفاده کنند و مبلغ ۶۰۰ میلیون کتاب خرید و فروش شد. این امر تأثیر خوبی بر فضای کتاب و کتابخوانی داشت.

وی اظهار داشت: با توجه به بازخوردی که طرح «کتابفروشی به وسعت ایران» داشته است، قصد داریم این طرح را به بهانه مختلف در مقاطع

آمادگی دوازده کتابفروشی فارس برای «عیدانه کتاب»



زمانی مختلف در طول سال اجرا کنیم تا رونق نسبی را در طول سال برای کتابفروشی ها ایجاد شود و همچنین با توجه به فضای پرنشاط عید نوروز فرصتی برای مردم و کتابفروشی ها ایجاد گردد تا از این فضا برای ادامه این طرح استفاده شود، از این رو طرح «عیدانه کتاب» با شعار «امسال کتاب عیدی دهم» نوشته شد و در استان فارس نیز ۱۲ کتابفروشی به میدان آمده اند.

او ادامه داد: کمپین «عیدانه کتاب» بسیاری از نویسندگان، هنرمندان، اهالی قلم و... مردم را تشویق می کند که به جای پول و سررسید، کتاب عیدی دهند. این اتفاق در استمرار طرح تخصصی پارانه به کتاب فروشی ها بود. مردم با مراجعه به کتابفروشی های عضو این طرح می توانند از ۲۰ درصد تخفیف بجز کتابهای کمک درسی برخوردار شوند و تنها شرط بهره برداری از این طرح، ارائه کارت ملی است. معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس، با اشاره به اینکه این اهالی در طرح عیدانه کتاب با ۱۲ کتاب فروشی فعال از فارس وارد میدان می شوند، بیان داشت: انتشارات و کتابفروشی شهید عبدالرضا مصلی نژاد از چهارم، کتابفروشی جبهه کتاب فسا، نشر دانشگاهی عبدالرسول داودی کارزون و ۹ مکان دیگر نیز از شیراز با عنوانهای: کتاب فروشی های ایرانیان، دهقان، کتاب منگان، کتاب اسفند، کتاب هایوان (منگان)، کتابسرای قائم، کتابفروشی فرهنگ و هنر و همچنین کتابفروشی بزرگ دهخدا، در این طرح حضور دارند.

رضا کیانیان در خوشا شیراز

جلوی دوچرخه خواب می رفت هیچ غری نمی زدم چون اگر غر میزدم ممکن بود مرا به سینما نبرد طاقت می آورد و جاهایی که از دوچرخه پیاده می شدم متوجه میشدم که یک پام کار نمی کند و یکی از پاهایم بروم می توانستم لنگان لنگان بروم سینما بعضی وقت ها در زمستان هم که جلوی دوچرخه ی پدرم می نشستم و مرا به سینما می برد چون پدرم یک پالتوی بلند همیشه می پوشید یک شاپو هم داشت، شغل پدر من کله پز بود، وقتی که باران می آمد باران می ریخت روی کلاه شاپوی پدرم و از جلوی شاپو باران می ریخت پشت گردن من که در جلوی دوچرخه نشسته بودم ولی باز هم به کیف اینکه به سینما می رفتم تمام این سختی ها برایم ارزش داشت من فیلم هایی را به یاد دارم که مربوط به دوران آخر سینمای صامت هست آن موقع دوبله و این چیزها آمده بود اما گاهی فیلم های



صامت را هم نشان می دادند آن موقع تازه فیلم های کارتونیی آمده بود که به آن می گفتند مضحک قلمی که یعنی با قلم می کشند و کارهای مضحکی دارند من هنوز هم سینمای قهرمان محور را دوست دارم.

نظر رضا کیانیان در مورد سینما: هر کسی در زندگی روپاهایی دارد که همین روپا باعث می شود در کارت پیشرفت کنی اما اگر در زندگی سکانس می دیدند، اتفاقی هیچ اتفاقی نمی افتد، سینما هم می تواند در فیلم ها روپا پردازی و داشتن روپا را به بینندگان نشان دهد و در کنارش شادی و قهرمان پروری کند نکات و اصولی که بعد از انقلاب در سینمای ما کم رنگ شده اند. من در سینما هم روپا را دوست دارم هم شادی و هم قهرمان پروری را. **ما، در خانواده ی کیانیان رگه هایی از هنر داریم** رضا کیانیان: پدرم در زورخانه کار می کرد و از دوستان طیب حاج رضایی بوده و از

خیلی بیشتر هست، تقریباً هر بازیگری در جهان یک مشخصه ی خاص خودش را دارد، یک سری بازیگر هستند که شما هر کاری کنید نمی توانید مشخصه ای برای آنها تصور کنید یک سری بازیگرها هستند که تک نقش هستند و در تمام عمرشان فقط یک نقش را بازی می کنند، یک سری از بازیگرها هستند که چند نقش هستند مثل آل پاچینو و رابرت دنیرو که نقش های زیادی بازی می کنند که این نقش هایک محدوده دارد که این محدوده به همان مشخصه ی آنها بستگی دارد، یک سری از بازیگرانی هستند که آنها همه نقش هستند و من همیشه دوست داشتم که جزو بازیگران دسته ی سوم باشم که وقتی می گویند رضا کیانیان بگویند بازیگر هست و برویم ببینیم این دفعه چه چیزی بازی کرده یعنی نمی توانند حدس بزنند که من چه نقشی را با چه مشخصه ای بازی کردم که این هم خودش یک نوع شنبه هست مثل فیلم کفش هایم کو در جشنواره ی فیلم فجر امسال که آنجا نقش یک الیزبیتی را بازی می کردم، رابرت دنیرو و آل پاچینو چند نقش هستند اما من بازیگر همه نقش هستم .

چیزی که در زندگی مرا خیلی خوشحال می کند خوشحالی مردم هست.

رضا کیانیان: من از غم و تاریکی و ناراحتی مردم خیلی ناراحت می شوم، در خیابان که راه می روم وقتی یک نفر مرا می بیند و لبخند می زند خدا را شکر می کنم که وسیله ای شدم که حال مردم خوب شود و یک لبخند بزنند و امیدوارم که حال همه خوب شود.

دوست دارم با تمام بازیگران زبردست و قوی دنیا همبازی می شدم

رضا کیانیان: من تقریباً با تمام بازیگران جهان دوست داشتم که همبازی باشم چون با هر بازیگری که بازی می کنی وارد یک چالش جدیدی می شوی و لذت بخش هست من وقتی بازی می کنم از بازی لذت می برم که آن کار را انجام می دهم، مثلاً من یک نفر را از دست دادم آن هم مهدی فتحی بود که از دوران دانشجویی با ایشان آشنا بودم و قرار بود بارها در تئاتر و سینما با هم همبازی شویم و نشد البته در آن دنیا در بهشت با ایشان همچنین کاری خواهیم کرد، مثلاً من سعید پورصمیمی را خیلی دوست دارم ولی در نقش های خیلی کوتاهی با او همبازی بودم در سریال دوران سرکشی، بچه های خیابان، یه بچه قند، مهدی هاشمی را هم خیلی دوست دارم که با او هم در یک نقش خیلی کوتاهی در سریال دکتر قریب همبازی شدم، اما با او بازی نکردم، من فکر می کنم تمام بازیگرانی که ما، در ایران داریم همگی بازیگران خوبی هستند به شرط اینکه سر جای خودشان قرار بگیرند.

یادش به خیر آن روزها



علی محمدی معروف به سید علی متولد خمین است و ۶۰ زمستان را پشت سر گذاشته است. وی سال ها در کنار کار کشاورزی با تعزیه گردانی آمونوس بوده و با عشق به ائمه اطهار از کودکی به نوجوانی و سالمندی قدم گذاشته و در کنار پدرش که با نغمه ها و الحان و نواهای عاشورایی و نسخ تعزیه آشنایی داشته بالیده و قد کشیده و میراث سال های کارگری و کشاورزی و عشق و به اهل بیت، دست های پینه بسته و دل شکنسته ای است که به او رسیده و اکنون که سر بر آستان پیروی و از کارافتادگی دارد گویی کسی او را به جا نمی آورد، آن هم در شرایطی که مشکلات زندگی و تنگناهای مالی گریبانش را گرفته و او را به زوایای عزلت کشانیده است.

اکنون پس از ۵۰ سال تعزیه گردانی و نزدیک به ۷۰۰ اجرا و طلب اشک از دل سوختگان ائمه اطهار روزهای تنهایی و بی کسی اش را با مرور نسخه های منحصر به فردی که در اختیار دارد و خاطرات به یاد ماندنی از ایام محرم پشت سر می گذارد.

چند سالی است که ساکن شیراز است و با وجود این که در زمینه هنرهای آیینی پس از نیم قرن نقش آفرینی و تعزیه گردانی از صاحب نظران این رشته ی نمایش محسوب می شود اما کسی او را نمی بیند. به راستی پاسداشت کسانی که سال ها در این عرصه نقش آفرینی کرده و طعنه ها و کم نگرایی های رژیم مستعظمی را به جان خریده و پایداری کرده اند بر عهده ی چه کسانی است؟!

خودش می گوید: سال ها در امامزاده داوود، انشان، گلپایگان، طیب آباد، خان آباد خمین و مبارکه همراه با میرزا حسن اقا و آقا تقی تعزیه خوان نقش طفلان مسلم، زینب و سکینه و علی اکبر را عهده دار بودم. در آن زمان مردم با باورمندی و صمیمیت خاصی با تعزیه گردان ها هم تنوایی می کردند اما امروزه تنها از این مراسم به عنوان یک نمایش آیینی که بیشتر به درد جلب نظر گردشگران خارجی می خورد نگاه می کنند. یادش به خیر روزهایی که با کربلایی جعفر اسکندری، میرزا محمد سلامت و میرزا محمد محمدی چند روز مانده به محرم مشغول تمرین می شدیم و مردم از هر صنف و گروهی برای تأمین وسایل و ابزار نمایش ما رایجی می کردند... یادش به خیر آن روزها